

همگرایی و هم پوشانی توسعه پایدار و امنیت سیاسی و اجتماعی

مجید محمدی^۱

^۱ دکتری علوم سیاسی و و رابط بین الملل

چکیده

عناصر مهم امنیت و مدیریت آن مرکب از حوزه های جغرافیا و قدرت و سیاست می باشد. به عبارتی، متغیرها و عوامل جغرافیایی با متغیرها و عوامل قدرت و تدابیر بازیگران سیاسی در چارچوب اجزا سیستم با یکدیگر مشارکت و تعامل داشته، خروجی آن بقا و تامین بهینه نیازهای مالی و معنوی یا جسمی و روحی انسان از جمله خود امنیت است. بر این اساس، امنیت از مفهوم ژئوپلیتیکی برخوردار می گردد. مفهوم امنیت در مقیاس ملی دچار تحول شده است. در گذشته امنیت از منظر تهدید نظامی معنی دار بود که سر چشمه آن نیز خارج از مرزها دیده می شد و برای مقابله با آن ساز کار نظامی پیشنهاد می گردید. ولی امروزه امنیت ملی علاوه بر بعد نظامی، دارای ابعاد دیگری از جمله اقتصادی و زیست محیطی می باشد و سرچشمه و منبع تولید نیز خارج از مرزها و داخل مرزها دیده می شود و راه کار مقابله با آن نیز به صورت ترکیبی پیشنهاد می گردد. از سویی برخی امنیت را مفهومی ادراکی و ذهنی از سوی سیاست مداران کشور می دانند که بر اساس عوامل تهدید و میزان اهمیت آنها و همچنین سطح ارزش منافع تهدید شده و نیز میزان توانایی ملی برای واکنش مناسب در برابر تهدید مزبور شکل می گیرد. امنیت ملی متأثر از عوامل مختلفی است که خاستگاه آنها سه حوزه جغرافیا، سیاست و قدرت می باشد. عوامل تولید کننده یا برعکس تهدید کننده امنیت عمدتاً عبارت است از: روحیه نیروهای ارتش، سطح علمی و نبوغ دانشمندان و ویژگی های رهبران سیاسی، مشخصات و موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی کشورهای قدرت اقتصادی، استقلال یا وابستگی کشور به خارج از مرزها، وضع جمعیتی کشور و کشورهای همسایه، میزان ثبات سیاسی و اجتماعی، تکنولوژی و وضع نیروهای نظامی رقبا و دشمنان کشور و وضعیت دیپلماسی، سیاست جهانی در خصوص مدیریت و خلع سلاح، سازه های امنیت جمعی، وضعیت توازن قوی و استراتژی ملی.

واژه های کلیدی: امنیت، توسعه پایدار، قدرت سیاسی، ثبات اجتماعی

مقدمه

الف- عناصر و عوامل موثر در امنیت

بررسی های انجام شده در مورد رابطه توسعه و امنیت در مناطق مرزی و همچنین ارتباط توسعه و امنیت در مناطق مرزی با توسعه و امنیت داخلی حاوی چند نکته مهم است.

الف) امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا، دارای رابطه مستقیم و دوسویه با یکدیگر می باشند. به عبارت دیگر، توسعه و امنیت در مناطق مرزی تأثیرات متقابلی بر هم دارند، به گونه ای که هر اقدامی در فرآیند تحقق توسعه، تأثیرهای مستقیمی بر فرآیند تحقق امنیت می گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته تر برخوردارند.

ب) بین عوامل کالبدی و عوامل غیر کالبدی امنیت و توسعه، تأثیر های مستقیم و متقابلی وجود دارد. لذا تأثیر های پیچیده و متقابل این عوامل برهم، نظام یا سیستمی را تشکیل می دهد که هر گونه اقدامی در تقویت هریک از عوامل مزبور، تأثیرات متقابلی را بر عوامل دیگر می گذارد. این بدان معناست که هرگاه در منطقه ای طرح های توسعه فیزیکی مانند احداث تولیدات صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی به مورد اجرا گذاشته شود، شاخص های توسعه غیر فیزیکی همچون سواد، همگرایی اجتماعی و فرهنگی، همگرایی با دولت مرکزی و نیز شاخص های امنیت، مانند میزان بزه کارت و عبور غیر قانونی از مرز و آن چه به طور عمومی ناامنی خوانده می شود را تحت تأثیر قرار می دهد. در نتیجه، می توان تصریح کرد که هرگاه ناامنی در منطقه گسترش یابد و جو آرام و امن لازم برای توسعه آن منطقه محقق نشود، عوامل و عناصر موثر بر توسعه از آن منطقه کوچ کرده و منطقه با شرایط توسعه نیافتگی مواجه می گردد.

ج) امنیت و توسعه در شهرهای مرزی ارتباط مستقیم و متقابلی با توسعه و امنیت ملی دارد و هر اقدام موثر بر امنیت یا توسعه مناطق مرزی، تأثیر هایی با نسبت های متفاوت بر توسعه و امنیت ملی می گذارد. اقداماتی که بر توسعه و امنیت ملی اثر می گذارند نیز به نسبت های متفاوت بر توسعه و امنیت مناطق مرزی موثرند. به عبارت دیگر، توسعه در مناطق مرزی نقش تعیین کننده ای در فرآیند تحقق امنیت فراگیر در کل جامعه دارد.

د) تحقق رابطه منطقی میان امنیت و توسعه در شهرهای مرزی، مستلزم توجه خاص و جامع نگر به مولفه های توسعه ای موثر بر امنیت و مولفه های امنیتی موثر بر توسعه است. چنین ارتباطی مستلزم برخورداری از دیدگاهی منسجم و نظام مند میان دو مولفه توسعه و امنیت می باشد و عدم تعادل منطقه ای فضایی میان مناطق مرکزی (مرکز) و مرزی (پیرامون) منجر به کاهش امنیت مطلوب در مناطق مرزی می گردد.

ه) برنامه ریزی توسعه ای در مناطق مرزی مستلزم توجه به سطوح محلی و منطقه ای، ملی، فراملی و جهانی امنیت بوده و هر گونه برنامه ریزی توسعه ای در مناطق مرزی، مستلزم تامین زیرساخت های امنیتی لازم (تاسیسات دو منظوره نظامی و عمرانی)، متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی می باشد. میان سلسله مراتب توسعه ای و سلسله مراتب امنیتی مناطق مرکزی و مناطق مرزی، رابطه متقابل وجود دارد. برقراری چنین رابطه ای تحقق تعادل توسعه ای و تعادل امنیتی را فراهم می آورد. از این جهت، توسعه در مناطق مرزی توجه به ابعاد فیزیکی و غیر فیزیکی را می طلبد.

و مناطق مرزی به مثابه یک جزء یا زیر سیستم از سیستم کل کشور، در صورتی می تواند به وظایف خود هماهنگ و معتدل عمل کند که اجزاء و عناصر درونی آن بتوانند به طور مداوم، تعاملات لازم بین خود را برقرار سازند (عندلیب، ۱۳۸۰، ۱۹۵-۱۹۷).

ب-نگرش امنیت و توسعه پایدار

نگرش قائل به انجام توسعه پایدار در بستر «امنیت» بر این اساس است که نخست باید امنیت برقرار باشد تا در مرحله دوم توسعه صورت گیرد. به عبارت دیگر، معتقدین به این دیدگاه، تحقق امنیت را شرط لازم و مقدم بر تحقق توسعه می دانند. به این ترتیب، در حقیقت با اولویت قائل شدن به «امنیت»، توسعه را ابزار تحقق امنیت می دانند. در چنین حالتی، امنیت زمینه ساز استقرار فعالیتها و سکونتگاه ها با توجه به مزیت مکانی آن هاست. مکان گزینی صنایع، تاسیسات و طرحهای توسعه، نیاز به فضاها و مکانهای امن دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ۵۹).

۱-رابطه متقابل امنیت و توسعه

هدف اصلی و تغییر ناپذیر هر حکومت ملت پایه، بقای ملی بوده که این مهم در گرو امنیت ملی است و این مساله نیز از میزان توانایی حکومت در حفظ وحدت ملی، توسعه متوازن منطقه ای و در نهایت رضایت شهروندان متأثر است. از این رو، یکی از مهم ترین عواملی که امنیت یک کشور را مورد تهدید قرار می دهد، وجود نابرابری های فضایی بین مناطق مختلف جغرافیایی آن کشور است. چنان که این نابرابری ها، بویژه بین مناطق مرکزی و پیرامونی می تواند شکاف های سیاسی را عمیق تر کند و نارضایتی ناحیه های را موجب گردد (در ایسدل و بلیک ۱۳۷۳، ۲۲۰). از طرف دیگر، توسعه و حرکت به سوی آن، به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می انجامد و امنیت ملی نیز، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می آورد (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۰، ۷۵).

۲-نگرش متقابل توسعه و امنیت

در این نگرش، عقیده غالب بر آن نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر مقدم هستند، بلکه ارتباط هم عرض و هم سنگ توسعه و امنیت بر آن حایز اهمیت است.

بر اساس دیدگاه های بالا می توان گفت که امنیت و توسعه در مناطق مرزی، با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه ای مستقیم و دو سویه با یکدیگرند.

به عبارت دیگر، توسعه و امنیت، تاثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند، به گونه ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه و رفاه ساکنان مناطق مرزی، تاثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت آن منطقه و به تبع آن، امنیت ملی دارد و بالعکس. به این ترتیب، مناطق دارای شاخص های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته تر برخوردارند. نکته مهم این که میان «سلسله مراتب توسعه ای» و سلسله مراتب امنیتی مناطق مرکزی و مناطق مرزی، رابطه وجود دارد. برقراری چنین رابطه ای موجبات تحقق تعادل توسعه و «تعادل امنیتی» را فراهم می آورد (عندلیب، ۱۳۸۰، صص ۱۹۹-۱۹۷).

۳-معنای لغوی توسعه و پایداری

توسعه در فرهنگ لغت معین به معنی فراخ کردن، ترقی و پیشرفت آمده است. در معنی دیگر آن به معنی خروج از لفاف است. در قالب نظریه نوسازی لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله خارج شود.

واژه توسعه از نظر لغوی در زبان انگلیسی به معنی ترک کردن، تکامل و پیشرفت است که از قرن ۱۹ میلادی برای توضیح برخی پدیده های اجتماعی بکار رفته است. لیکن استفاده وسیع از این واژه به عنوان یک چهارچوب تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی به بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه های ۹۰ و ۱۹۵۰ مربوط می شود مفهوم توسعه در برابر رشد قرار می گیرد و یک مفهوم کیفی می باشد. پایداری در فرهنگ لغت معین به معنی ایستادگی و پافشاری آمده است. مفهوم پایداری بسته به شرایط زمان و مکان جوامع مختلف متفاوت است در مجموع پایداری شرایطی است که هدف توسعه پایدار که همان وضعیت مطلوب است را به دنبال دارد (حمیدی، ۱۳۹۲، ص ۸).

مفهوم توسعه پایدار از اوایل دهه ۱۹۸۰ که دهه های سال رشد لجام گسیخته به نام «توسعه» در قالب کیفیت زست محیطی در مقیاس جهانی بروز کرد خود را نشان داد. توسعه پایدار در حقیقت تعادل میان توسعه و محیط زیست است، این مفهوم را اولین بار به طور رسمی برانت لندن در سال ۱۹۸۷ در گزارش «آینده مشترک» مطرح کرد، در این گزارش هدف از توسعه پایدار رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع توانایی نسل های آینده برای رفع نیازهایشان است (شیخ الاسلامی و دیگران، ۳۳)

مفهوم توسعه پایدار را می توان به انگارهای حقیقی از مفهوم «عدالت» بسط داد، انگاره ای از بسط و گسترش عدالت هم در عرض زمان و هم در طول زمان. «برقراری تعادل میان تک تک جامعه حاضر (انگاره عدالت در عرض زمان). - برقراری تعادل میان نسل های جامعه (انگاره عدالت در طول زمان) (صالحی، ۵۴، ۱۳۸۵).

۴- توسعه پایدار و امنیت اجتماعی

بسیاری از مشکلات انسانها در پویش تاریخ ناشی از عدم تفکر خود و محیط اطرافشان می باشد. انسانها با تفکر می توانند از بروز حوادث و نارسائیه پیشگیری نمایند. در طول تاریخ اندیشمندان و متفکرانی بوده اند که در هر مقطع تاریخی الام و دردهای بشر را تشخیص داده و برای جلوگیری از آن مبانی نظری عملی خود را در قالب تئوری و سیستم ارائه کرده اند. توسعه پایدار، پارادایمی است که متفکرین معاصر برای رسیدن به یک مدینه فاضله ارائه کرده اند و مرهون ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است. تا قبل از دهه هشتاد میلادی برنامه ریزان توسعه، بیشتر به بعد اقتصاد توسعه تاکید می کردند که نتیجه آن توسعه پناهندگی ناپایداری توسعه تخریب محیط زیست و ناهنجاریهای اجتماعی بود و لیکن امروزه توسعه موزون را مطرح می کنند، یکی از مهم ترین اثرات توسعه پایدار در برقراری محیطی سالم و امن و ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی استعدادهای انسان است. در سایه توسعه پایدار است که امنیت اجتماعی شکل می گیرد (تسبیجی، ۱۳۸۳، ۲۹۹، ۱۰- تشریح مفاهیم توسعه پایدار و امنیت اجتماعی

۱-۱- توسعه پایدار

برای توسعه پایدار تعاریف گوناگونی مطرح کرده اند و به نوعی اجمالی نظری بر روی آن هنوز حاصل شده است. اصطلاح توسعه پایدار نخستین بار کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ عنوان شد. منظور از توسعه پایدار توسعه ای است که در فرایند آن نیازها و رفاه نسل آینده فدای نیازها و رفاه نسل حاضر نگردد. در سمپوزیم لاهه در سال ۱۹۹۸ مفهوم توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفت و تاکید شد که منظور از توسعه پایدار تنها حفاظت از محیط زیست نیست، بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی مورد نظر است، رشدی که عدالت و امکانات زندگی برای همه مردم جهان را به همراه داشته باشد. برای توسعه پایدار تعاریف گوناگونی تا کنون ارائه کرده اند که به بخشی از آنها اشاره می شود:

توسعه پایدار جز جدانشدنی مراقبتهای زیست محیطی است.

۲- توسعه پایدار به معنای بهبود کیفیت زندگی و حیات بشری با در نظر داشتن ظرفیت تحمل اکوسیستم می باشد.

۳- توسعه پایدار نوعی از توسعه است که تامین کننده نیازهای مال ما بدون به خطر انداختن قابلیت تحقق نیازهای نسلهای بعدی است.

توسعه پایدار روندی است که به دنبال تحقیق یک استاندارد بالاتر زندگی برای ابناء بشر می باشد.

از میان تعاریف گوناگونی که ارائه شد تعریف زیر گویاتر و جامعتر است

توسعه پایدار توسعه ای است که ایجاد، حفظ و افزایش کیفیت زندگی کلیه افراد بشر و در تمام زمانها را آشکارا در نظر داشته باشد در مجموع اندیشه جدید توسعه پایدار مبنی بر آن است که بر پایه تفکر سیستماتیک و نظام یافته، همه چیز را در محیط زیست در پیوند با یکدیگر در نظر قرار دهیم.

۱- ۲- امنیت اجتماعی

امنیت یک مفهوم نسبی و ذهنی است و در آن نوعی از ابهام وجود دارد به عبارت دیگر امنیت مفهومی است که دارای دو بعد ذهنی و عینی می باشد از بعد عینی، امنیت به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمن برای حفاظت و گسترش ارزشهای اصولی و حیاتی ملی است. از بعد ذهنی به معنای احساس امنیت است به بیان دیگر بعد ذهنی امنیت ارتباط مستقیم با ادراک مردم و دولت از آسیب پذیری و تهدیدات امنیتی دارد. همچنین برای شفاف نمودن مفهوم امنیت باید به انواع و سطوح امنیت نیز توجه کرد زیرا بدون توجه به انواع و سطوح امنیت، رسیدن به اشتراک نظر عمومی درباره امنیت امکان پذیر نیست (تسبیحی، ۱۳۸۲: ص ۲۹-۳۱).

۲- پیشینه و تاریخچه توسعه پایدار

واژه توسعه پایدار از اواسط دهه ۷۰ میلادی و پس از بحران نفتی ۱۹۷۳ بسیار به کار گرفته شده است. امروزه بحث توسعه پایدار یکی از بحث های بسیار مهم و رایج در سطح بین المللی است. سازمانها و نهادهای محیط زیست در جهان و همچنین سازمان ملل از مهمترین ارگانهای دخیل در این امر هستند. به منظور حل مشکلات متعددی در محیط زیست در اوایل دهه ۷۰ شورای اجتماعی - اقتصادی سازمان ملل متحد با عنوان این مطلب که سلامت محیط زیست در گرو توسعه پایدار می باشد بر محل تلاقی محیط زیست و توسعه پایدار توجه و تاکید نمود. اولین اجلاس در سال ۱۹۷۲ در استکهلم با عنوان انسان و محیط برگزار گردید. راهنماها و توصیه های این اجلاس برای شناخت بستر محیط، کنترل آلودگی ها، آموزش و پژوهش برای فراهم نمودن محیط مناسب برای زندگی انسانها بود و سابقه اصلاح توسعه پایدار به گزارش بر اتلندباز می گردد.

در سال ۱۹۸۷ در چهل و دومین نشست اجلاس عمومی سازمان ملل متحد کمیسیون جهانی در زمینه محیط زیست و توسعه تحت نظارت سازمان ملل به ریاست خانم براتلند، گزارش با عنوان «آینده مشترک ما» تسلیم کرد که مفهوم نوین «توسعه قابل حفظ و تداوم، را معرفی می کرد. این مفهوم شرایط انسانی و طبیعی را در فعالیتهای توسعه ای در نظر می گرفت. اگرچه مفهوم «توسعه پایدار» را نخستین بار اتحادیه حفاظت جهانی در سال ۱۹۸۰ منتشر کرد.

تا زمان گزارش بر اتلند یعنی هفت سال بعد از این اصطلاح عمومیت نیافت. بر اساس این گزارش «توسعه پایدار» نیازهای نسل کنونی را بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل های بعدی برای برآوردن نیازهایشان تامین می کند. این مفهوم بر

رهیافتی بلند مدت دلالت دارد که علاوه بر مسائل زیست محیطی - منابع های پیدایش و رواج اصطلاح توسعه پایدار را می توان به این صورت بیان کرد.

فعالیت های جنبشهای حفاظت محیط زیست در نیمه قرن نوزدهم میلادی به طرح موضوع پایداری بعنوان یک سیاست حفاظتی در اتحادیه حفاظت جهانی در سال ۱۹۸۰ گسترش ترویج آن پس از انتشار گزارش بر اتلند در سال ۱۹۸۷ گسترش بحث پایداری در سطح جهانی بر اساس همایش زمین در سال ۱۹۹۲ در دستور کار ۲۱ شناسایی گردشگری بعنوان یک جزء اقتصادی نیازمند توسعه پایدار در دومین همایش زمین به سال ۱۹۹۷ در نیویورک (کاظمی، ۱۳۸۳، ۱۲۵).

۳- توسعه شهری پایدار

یکی از پذیرفته شده ترین تعاریف از توسعه پایدار همانی است که در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ تحت عنوان «آینده مشترک ما» آمده است. بر اساس این گزارش برنامه ریزی به منظور دست یابی به توسعه پایدار می تواند نسل کنونی را قادر سازد، بدون صدمه زدن به توانایی های نسل آینده، نیازهایش را برآورده سازد و توسعه پایدار شهری نوعی راهبرد توسعه با ابعاد گسترده و پیچیده مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی است که تکیه بر یک عامل منفرد در شکل دهی به آن اقدامی نسنجیده و ناآگاهانه محسوب میشود (ملکی و حسین زاده دلیر، ۱۳۸۸). در این میان باید از مکتب شیکاگو و پیروانش به عنوان اولین کوشش موفقیت آمیز برای توسعه و پایدار کردن یک نظریه پردازی صریح فضایی شهر یاد کرد (تانکیس! ۱۳۸۸).

شهر به عنوان مهمترین زیستگاه جمعیتی در قرن حاضر می بایست خود را با محتوا و دستورالعمل های پایداری منطبق سازد. به همین علت تقاضا برای امنیت توسعه پایدار شهری و شهرهای پایدار مهم ترین چالش فراروی بشریت در قرن بیست و یکم است. در تدوین استراتژی های شهری پایدار باید توجه داشت که حرکت توسعه پایدار رشد را بالقوه مسئله غامضی می داند. رشد ممکن است توانایی های جامعه را در حفظ منابع گذشتگان و یا کنترل تغییرات اقتصادی تحلیل برد و به تبع آن سلامتی جامعه را نیز تحلیل خواهد برد. توسعه پایدار به رشد محدودی اشاره می کند که مصرف منابع و تولید زباله را کاهش دهد. بنابر این استراتژی هایی که مصرف انرژی را کاهش می دهند، پایدار شناخته می شوند

۴- نظریه توسعه پایدار شهری

اندیشه توسعه شهری پایدار از جنبه های بسیار گسترده مطالعات در امور توسعه است، ارائه یک تعریف مشخص در این رابطه زیاد ساده نیست اما سعی می شود معنی توسعه شهری پایدار از بین مفاهیم - اصول - تاریخچه مطالعات کاربردی تشریح شود.

اندیشه توسعه شهری پایدار تنها در ارتباط با تحولات تاریخی مطرح نمی شود، بلکه در اوج رابطه توسعه خردمندانه علوم مختلف و دانش اجتماعی نیز مطرح است. توجه به تحولات باعث می شود حجم و کیفیت دانش موجود درباره محیط زیست شهری افزایش یابد از جمله علم شناسایی و رفع آلودگی هوا - گازهای گلخانه ای - تغییرات جهانی آب و هوا - بحران آب و موارد دیگری از این قبیل در این رابطه مطرح می شوند. پیشرفت در زمینه علوم اجتماعی نیز با کمک دستور کارهای تحقیقی مختلف درباره توسعه پایدار صورت می گیرند. آنچه ذکر شد نشان دهنده این است که بحث توسعه شهری تحت تاثیر مفاهیم و موضوعات مختلفی قرار گرفته و با علمی چون سیاست های اقتصادی و دانش تئوری و تجربی به مقابله برخاسته است و بعضی اوقات نیز با تحولات تاریخی شکل گرفته یا تغییر جهت داده است (نصیری، ۱۳۷۹، ۱۷).

نظریه توسعه پایدار شهری حاصل بحث های طرفداران محیط زیست درباره مسائل زیست محیطی بخصوص محیط زیست شهری است که به دنبال نظریه توسعه پایدار برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. در این نظریه، موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است.

نظریه توسعه پایدار شهری موضوع های جلوگیری از آلودگی های محیط زیست شهری و ناحیه ای کاهش ظرفیت های تولید محیط محلی - ناحیه ای و ملی حمایت از بازیافت ها، عدم حمایت از توسعه زیان آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می کند. همچنین راه رسیدن به این اهداف را با برنامه ریزی اهمیت بسیاری می دهد و معتقد است دولت ها باید از محیط زیست شهری حمایت همه جانبه ای کنند. این نظریه پایداری شکل شهر - الگوی پایداری سکونت گاه ها، الگوی موثر حمل و نقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله مراتب ناحیه شهری بررسی می کند. زیرا ایجاد شهر را فقط برای لذت شهر نشینان می داند.

در یک دید اجمالی، مبنای نظری مفهوم پایداری در شهر و ناحیه شامل این موارد می شود کاهش آلودگی نگهداری منابع طبیعی، کاهش حجم ضایعات شهری، افزایش بازیافت ها، کاهش انرژی مصرفی، افزایش بیش از حد جانداران مفید در شهر و روستا با ایجاد جامعه جنگی و درختان شهری و نواحی سبز، عدم تمرکز شهری و کاهش پراکندگی ها، افزایش تراکم متوسط در حومه های شهری و شهرهای کوچک، کاهش فواصل ارتباطی، ایجاد اشتغال محلی، توسعه متنوع مسکن در مراکز اشتغال، توسعه شهرهای کوچک برای کاهش اتکا به شهرهای بزرگ، ساختار اجتماع متعادل، حمل و نقل عمومی و کاهش ترافیک جاده ای، مدیریت ضایعات بازیافت نشدنی و تهیه غذای پایدار محلی، به این طریق اولاً با جایگزینی منابع و نوسازی آنها اتخاذ سیاست کاربردی صحیح محافظت از زمین بالا می رود ثانیاً با توجه به برنامه ریزی شهری و ناحیه ای و سامان دهی فضا توسعه پایدار شهری حاصل می شود

در نتیجه پایداری شهری مفهومی است که در پی طرح توسعه پایدار بعنوان الگو واژه جدیدی در جهان مطرح گردید. ریشه های نگرش توسعه پایدار با نارضایتی از منابع توسعه و رشد اجتماعی - اقتصادی در شهرها از منظر بوم شناسی بر می گردد (صرافی، ۱۳۷۹، ۷-۱۰).

ب-دیدگاههای موجود نظریه پردازان در زمینه امنیت

از نظر «جان مورز امنیت رهایی نسبی از تهدیدهای زیان بخش و تضمین رفاه آتی است» (ربیعی، ۱۳۸۳، ۱۰)

ولفرز امنیت در معنای عینی فقدان تهدید در برابر ارزشهای کسب شده است و یا اینکه بگوئیم حفظ ارزشها معادل برقراری امنیت است.

امنیت از یک سو وسیله و از سوی دیگر هدف است (روشندل، ۱۳۷۶، ۱۹). در فرهنگ علوم رفتاری دو معنا از این واژه ارائه شده است

۱- حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته های شخصی انجام می پذیرد .

۲- احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرشی که نهایتاً از سوی طبقات اجتماعی نسبت به فرد اعمال می شود (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸، ۱۹).

امنیت در معنای کلی آن یعنی تضمین تداوم، ارضا نیازهای انسانی، بنابر این متناسب با هر نوع نیاز انسانی، یک نوع امنیت وجود دارد. نبود یا کمبود امنیت، ناامنی نامیده می شود. ناامنی در ارضای هر کدام از نیازها، بخشی از عملکردهای انسان را دچار اختلال می کند. به همین خاطر، بسیاری از مولفان امنیت را ذیل نیازهای بنیانی انسانی قرار داده اند. به عنوان نمونه، «مکس نیف (محافظة) را دو مین نیاز اساسی انسانی می داند که لازمه آن مراقبت است (همان، ۱۸)

گاف (۱۹۹۶) امنیت را از نیازهای اساسی انسان دانسته است. علاوه بر این در سلسله مراتب نیازهای مازلو (۱۹۶۳) امنیت در رتبه دوم اساسی ترین نیازها قرار دارد.

پ-دیدگاههای موجود در زمینه امنیت اجتماعی

۱-بری بوزان

امنیت اجتماعی اولین بار توسط بری بوزان مطرح شد. وی امنیت اجتماعی را به پنج دسته تقسیم می کند که عبارتند از امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست محیطی. از نگاه بوزان امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت، عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. آنچه در دیدگاه بوزان در مورد امنیت اجتماعی قابل توجه است این که امنیت اجتماعی برای او فرع بر امنیت ملی است چون در داخل یک محدوده سر زمینی مطرح شود (نصیری، ۱۳۸۱، ۱۲۵).

۲-اول ویوو

اول ویوو معتقد است که برداشت بوزان از امنیت اجتماعی، ناممکن است. به نظر وی بوزان اهمیت امنیت اجتماعی را در پای امنیت ملی فدا می کند. ویوو معتقد است که امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی، زیست محیطی قابل طرح نیست، بلکه مفهوم هم طراز امنیت اجتماعی امنیت ملی است. چرا که شرایط کنونی امنیت اجتماعی، مرجع امنیت ملی است. به اعتقاد ویوو در حالی که امنیت ملی به تهدیدات علیه حاکمیت می پردازد، امنیت اجتماعی معطوف به هویت است. هویت اجتماعی مقوله ای بسیار مهم است که چه دولت باشد و چه نباشد، وجود دارد (نصیری، ۱۳۸۱، ۱۲۵)

۳-چلبی

از نظر چلبی تنظیم اجتماعی دارای چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. وی دو وجه اول را وجوه سخت و اثباتی و دو بعد دوم را وجوه نرم و اظهار نظر اجتماعی می داند (چلبی، ۵۳، ۱۳۷۵)

به نظر چلبی در صورتی که در جامعه ای نظام اجتماعی بیشتر صیغه ای سیاسی به خود بگیرد و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن ضعیف شوند، به همان نسبت هم روابط بین کنشگران در تمام سطوح بر اساس سرگیری عاطفی و خاص گرا به صورت دوست و دشمن تعریف می شود. در چنین بی نظمی افراد و گروه ها احساس امنیت مالی، جانی فکری و جمعی نمی کنند (همان، ۷۷). امنیت اجتماعی را می توان از طریق پیگیری حوادث ناپایدار و بی ثبات اندازه گیری کرد که بر اساس پایگاه و منزلت اجتماعی افراد جامعه، قابل شناخت است (همان ۱۰). به طور کلی جامعه شناسی امنیت به مکانیسم ایجاد و گسترش امنیت در زمینه اجتماعی می پردازد. این که امنیت و ناامنی چگونه در تعامل بین نهادها و گروه ها شکل می گیرد، موضوع اصلی جامعه شناسی امنیت است. سه موضوع امنیت اجتماعی، سرمایه ی اجتماعی و جنبش های اجتماعی به عنوان سه رکن اصیل جامعه شناسی امنیت مورد توجه قرار گرفته است (نصیری، ۱۱۳، ۱۳۸۱).

امروزه اندیشمندان اتفاق نظر دارند که از ویژگی های یک جامعه سالم، وجود سرمایه اجتماعی در آن جامعه است. سرمایه اجتماعی شامل گروه های انجمن ها و شبکه های افقی، اعتماد میان شهروندان و هنجارهای داد و ستدی است (پانتام ۱۳۸۰). اندیشمندان زیادی بر ضرورت و اهمیت سرمایه اجتماعی و به ویژه اعتماد اجتماعی برای انسجام و توسعه جوامع تاکید کرده اند (زیمل ۲۰۰۶، کلمن، ۲۰۰۲).

در حال حاضر آنچه به محور ممتاز امنیت سازی و مشروعیت آفرینی تبدیل شده، ارزش های مشترک است، مانند حقوق شهروندی، برابری حقوق و عدالت (نصیری، ۱۳۸۱، ۱۲۰).

ت- نظریات مطروحه در مورد رابطه امنیت و سرمایه اجتماعی

۱- کلمن

کلمن اعتماد اجتماعی را در چارچوب بحث خود از سرمایه اجتماعی مطرح می کند. سرمایه اجتماعی از نظر کلمن با کارکرد آن مشخص می شود و یک موجودیت مجزا نبوده، بلکه مجموعه متنوعی از چیزهاست که واجد دو عنصر مشترک هستند:

الف) شامل برخی از ابعاد ساختارهای اجتماعی هستند. ب) کنش کنشگران را تسهیل می کند.

سرمایه اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه، مولد است و دستیابی به اهداف خاص را ممکن می سازد که بدون آن امکان پذیر نیست (کلمن، ۲۰۰۳، ۱۱۰).

از نظر کلمن سرمایه اجتماعی و هنجارها به عنوان مولفه ای از آن، مانع از جرم شده و موجب می شوند که مثلاً در شب بدون هیچ گونه نگرانی امنیتی، بتوان آزادانه در داخل شهر، قدم زد (همان ۱۱۶ - ۱۱۳).

۲ - پانتام

از نظر پانتام اعتماد یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است. اعتماد، همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه ای بیشتر باشد احتمال همکاری بیشتر است، به علاوه خود همکاری نیز موجود اعتماد است. اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. افراد با شناخت و پیش بینی ای که از خلق و خو، انتخاب های مسکن و توانایی طرف مقابل دارند، به دیگری اعتماد می کنند (پانتام ۱۳۸۶، صص ۱-۲۹). پانتام در کتاب بولینگ تک نفره، روابط معناداری را بین افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش احساس امنیت اجتماعی، سطح رفاه و آموزش کودکان، کاهش جنایت های خشن، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی و احساس خوشبختی نشان می دهد همچنین بی اعتمادی در بین قربانی های جرم و خشونت و افراد مطلقه، بیشتر دیده شود. از این دیدگاه، اعتماد اجتماعی حاصل تجربه های زندگی بزرگ سالانی است و کسانی که زندگی موفقیت آمیزی دارند، نسبت به کسانی که از بی عدالتی، تبعیض، استثمار و محرومیت اجتماعی رنج می برند، دارای اعتماد بیشتری هستند (پانتام، ۱۹، ۱۳۸۵).

تجربه جوامع توسعه یافته و دارای امنیت اجتماعی پایدار نشان می دهد که در این جوامع سطح بالایی از اعتماد اجتماعی وجود دارد و افراد در عرصه ی عمومی مشارکت بالایی دارند

ث- دیدگاههای نظری در خصوص توسعه پایدار

۱- نظریه های لمن و کاکس

از نظر این دو دانشمند توسعه پایدار فرایند اصلاح و بهبود اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است که مبتنی بر فناوری و همراه با عدالت اجتماعی

باشد، به طریقی که اکوسیستم را آلوده و منابع طبیعی را تخریب نکند. توسعه پایدار به معنی افزایش منابع انسان توانمندسازی جوامع به سمت افزایش توانمندی های اقتصادی - اجتماعی - فناوری و فرهنگی است. همچنین توسعه پایدار نمی تواند بدون تفکر دقیق و در نظر داشتن امکان های انسانی اتفاق افتد. نکته بارز این نظریه این است که توسعه پایدار را یک فرایند دیده است فرایندی پویا، پایدار و چند بعدی که بر فناوری و توأم با عدالت است. بنابر این، توسعه پایدار یک اتفاق یا رویداد نیست که یکباره اتفاق بیافتد، بلکه یک فرایند پویا و هدفمند است که در طول زمان و با برنامه ریزی تحقق می یابد و هدف آن ارتقا سطح حیات انسان است و نیاز به هوشمندی - تجربه به شناخت و خلاقیت دارد. نکته مهم این نظریه توجه به عدالت اجتماعی یعنی توسعه پایدار باید در روند خود همواره عدالت اجتماعی را مدنظر قرار دهد و نابرابری های اجتماعی را از نظر فرهنگی و اقتصادی در مسیر خود بزدايد.

نکته غایب این تعریف افزایش منابع انسانی، توانمند سازی جامعه است. یعنی توسعه پایدار در فرایند خود باید منابع انسانی را افزایش دهد که انسانهایی آگاه، کارآمد و خلاق تربیت کند (اسلامی، ۱۳۸۱، ۴۵)

۲-نظریه استرانگ

نخستین بار در اواخر ۷۰ میلادی فردی به نام موریس استرانگ توسعه پایدار را « توسعه بوم شناسانه» نامید. مهم ترین نیت در این نام گذاری طرح الگویی برای توسعه بود که برای محیط زیست جهانی زیان آور نباشد. وی احترام به انسان، طبیعت و محیط زیست را اصل قرار داد و از مفهوم جدید توسعه پایدار به عنوان توسعه متناسب باشان و طبیعت نام برد بنابر این، در اوایل دهه ۸۰ میلادی توسعه به عنوان مفهوم چند بعدی و با توجه خاص به پایداری فرمول بندی و تعریف نشد لذا توسعه پایدار نه تنها شامل اقتصاد و مناسبت های اجتماعی می شد که مسئله جمعیت، شیوه استفاده از منابع طبیعی و به ویژه تاثیرات این عوامل بر محیط زیست را نیز در بر می گیرد (همان، ص ۵۰)

۳- نظریه چو گول

وی توسعه پایدار را به حداقل رساندن مصرف منابع تجدید ناشدنی می داند و در این راستا استفاده پایدار از منابع تجدید شونده، جذب ظرفیت های محلی و پاسخگویی به نیازهای بشر را مدنظر قرار می دهد (عزیزی، ۵، ۱۳۸۰).

۴-نظریه آدامز

در سال ۱۹۹۰ دلبیو ام. آدامز در کتب محیط زیست و پایداری در جهان سوم به درستی متذکر شد که مفهوم توسعه پایدار نمی تواند در یک خلاء تاریخی به خوبی درک شود. برای شناخت چالش ها و ظرایف و ظرفیت های آن پیشاپیش لازم است دگرگونی هایی که در اندیشه و عمل پیرامون سر فصل توسعه به وقوع پیوسته است و نیز تجاربی که به شکل گیری این مفهوم جدید منجر شد مورد توجه قرار گیرد، به این ترتیب برای درک زوایا و قابلیت های بالقوه و بالفعل نهفته در مفهوم توسعه پایدار لاجرم باید مسیر پیموده شده، شکست ها و موفقیت ها و همچنین بیم ها و امیدهای بشری در کنار هم مورد ارزیابی قرار گیرند. در این بررسی، دگرگونی در باورها و نگرش ها و تغییر در اندیشه ها و مفروضات به ویژه تشخیص عوامل موثر و شکل دهنده مفهوم و توسعه پایدار اهمیت بسیار دارد.

نتیجه گیری

یکی از مسائل مهم جهان امروز بحث توسعه پایدار است. در کشور ما هم پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رسیدن به استقلال سیاسی و تشکیل حکومت اسلامی حرکت به سوی توسعه پایدار آغاز شد و در این چهل سال علیرغم مشکلات متعدد و موانعی که دشمنان ایجاد کردند گام های بلندی هم در این زمینه برداشته شده است.

البته در این مقاله منظور از توسعه فقط بحث اقتصادی نیست بلکه وقتی این اصطلاح را به کار می بریم، منظور توسعه همه جانبه در زمینه های مختلف از جمله فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است؛ به طوری که می توان هر کدام از جلوه های این توسعه را به طور جداگانه تعریف کرد.

به عنوان نمونه توسعه اقتصادی به معنی رسیدن به قله های پیشرفت در زمینه اقتصادی و برقراری عدالت اقتصادی در جامعه است. توسعه فرهنگی هم یعنی رسیدن به اهدافی که در زمینه های فرهنگی نشانه کرده ایم و باید برای رسیدن به آن تلاش کنیم. خارج از تعریف ها و اینکه در هر کشوری کارشناسان در مورد ارکان توسعه نظریات خاصی دارند، باید گفت مهمترین پیش شرط ها و ارکان اصلی توسعه پایدار و دو بازوی اصلی آن یکی رهبری و هدایت و دیگری امنیت پایدار است. بی شک رسیدن به توسعه پایدار و دستیابی به پیشرفت در زمینه های مختلف، نیازمند مدیریت و رهبری خردمندانه و اندیشمندانه است که در کشور ما این سکان مهم در دست با کفایت رهبر معظم انقلاب است و توصیه ها و رهنمودهای ایشان همواره رهنما و رهگشای مردم و مسئولان است.

این همان اصل مهمی است که در بسیاری از کشورها فقدان آن به خوبی احساس می شود؛ به طوری که عدم موفقیت بسیاری از کشورها در مسیر پیشبرد برنامه های توسعه را در فقدان یک رهبری مقتدر و واحد باید جست و جو کرد. مسئله دوم و در واقع بازوی مهم دیگر توسعه امنیت پایدار است. در این مقاله سعی بر این است که تأثیر امنیت پایدار بر توسعه پایدار و نقش وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی در امنیت ملی را مورد بررسی قرار دهیم. صاحب نظران علوم سیاسی معتقدند امنیت از جمله واژه هایی است که، به لحاظ داشتن برخی شباهت ها با بعضی واژه های دیگر، دارای مفهومی سیال، متنوع و صورتی متغیر است و گستره بسیار وسیعی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی را شامل می شود. طبیعی است که ارائه تعریفی کامل و جامع برای این گونه مفاهیم کاری دشوار است. به هر حال تعریف آن هرچه باشد یکی از مباحث محوری در حوزه علم سیاست و حوزه سیاست گذاری در هر نظام سیاسی است که همواره در ابعاد مختلفی تهدید می شود. انسان از آغاز شروع زندگی اجتماعی نیاز به امنیت را احساس کرده و از همان زندگی ابتدایی سعی کرده با اختراع ابزارهای ساده و ساخت خانه و پناه گرفتن در غارهای مستحکم امنیت خود را تأمین کند. با شکل گیری نظام های سیاسی و کشورهای مختلف، نیز بحث جدی تری به نام امنیت ملی مطرح شد و طی قرن های گذشته تلاش برای دستیابی به سطح مطلوبی از امنیت ملی پایدار همواره یکی از اصلی ترین راهبردها و اهداف کلان نظام های سیاسی بوده است. بحث امنیت ملی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و منحل شدن بلوک شرق اهمیت بیشتری پیدا کرد و مباحث گسترده ای در این زمینه بین صاحب نظران مطرح شد. امروز با پیشرفت مباحث علمی و علوم استراتژیک، دو نوع نگاه سلبی و ایجابی به مقوله امنیت ملی وجود دارد. لذا باتوجه به دو نوع نگاه سلبی و ایجابی به مقوله امنیت ملی، می توان ادعا کرد که دیدگاه سلبی، که ناظر بر تهدیدات امنیت ملی تعریف می شود، بیشتر نظر سیاست گذاران امنیت ملی کشورها را به خود جلب می کند و مطالعات ایجابی، به رغم اهمیت مضاعف، در حال حاضر، بیشتر جنبه مطالعاتی و نظری دارد. از دیگر سو، مطالعات امنیت ملی را می توان در دو رویکرد سنتی و نوین دنبال کرد. رویکرد سنتی تقریباً هم ارز مطالعات راهبردی در کشورهای غربی است و جنبه

نظامی دارد، اما رویکرد نوین دیدی کلان نگر به جوانب مختلف امنیت ملی دارد و به نظر می رسد دنیای پیچیده کنونی، بیش از هر زمان دیگر، به این نوع نگاه جامع نیاز دارد. بسیاری از متفکران تلاش کرده اند برای امنیت ملی تعریفی ارائه کنند .

منابع

- ۱- اسلامی، علیرضا، ۱۳۸۱، مواجهه با مشکلات در توسعه درونزا، نشریه صفا، ش ۲۴، نشر دانشگاه شهید بهشتی
- ۲- اطاعت، جواد، موسوی، زهرا، ۱۳۹۰، رابطه متقابل امنیت و توسعه یافتگی، فصلنامه ژئوپولوتیک، سال ۷، ش ۱
- ۳- پاتنام، روبرت، ۱۳۸۰، دموکراسی و سنتهای مدرن، ترجمه محمدی تقی دلفروز، نشر غدیر
- ۴- تسبیحی، اکبر، ۱۳۸۲، توسعه پایدار و امنیت اجتماعی، نشر تهران
- ۵- چلبی مسعود، ۱۳۷۵، جامعه شناسی نظم، نشر نی
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۷۹، مبانی مطالعات سیاسی و اجتماعی، نشر ارسطو
- ۷- حمیدی، مسعود، ۱۳۹۲، برنامه ریزی شهری توسعه پایدار، نشر خاوران مشهد
- ۸- ربیعی، علی، ۱۳۸۳، مطالعات امنیت ملی، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه
- ۹- شیخ الاسلامی، مسعود، ۱۳۹۲، برنامه ریزی شهری و توسعه پایدار، نشر تربت
- ۱۰- صالحی، اسماعیل، ۱۳۸۵، نقش توسعه پایدار در امنیت سیاسی، نشر وزارت کشور
- ۱۱- عنذلیب، علیرضا، ۱۳۸۰، نظریه امنیت اجتماعی و توسعه پایدار، نشر امیر کبیر
- ۱۲- کاظمی، مهدی، ۱۳۸۳، آسیب شناسی امنیت، نشر نگاه نو
- ۱۳- نصیری، حسین، ۱۳۷۹، توسعه پایدار و چشم انداز جهان سوم، نشر فرهنگ و اندیشه
- ۱۴- هزار جریبی، جعفر، صفری شالی، رضا، ۱۳۸۸، بررسی احساس امنیت در توسعه پایدار، نشر انتظام